

پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدر و روان گردان کودکان در نظام عدالت کیفری

محمدعلی مهدوی ثابت¹، محمد آشوری²، منصور رحمدل³، علی دستور⁴

تاریخ دریافت: 98/10/16
تاریخ پذیرش: 99/01/28

از صفحه 197 تا 222

پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره دوم (پیاپی پنجاهم)، تابستان 1399

چکیده

مقدمه: رویکرد سنتی به جرائم کودکان به طور عام و جرائم موادمخدر به طور خاص، عمدتاً مبتنی بر اقدامات تنبیهی بوده که از سوی نظام قضایی و ضابطان قضایی اعمال می شده است. با این حال، رویکردهای جدید، بر مشارکت اجتماعی و پیشگیری اجتماعی تأکید دارند. پیشگیری اجتماعی هم در سطح تقنینی، هم در سطح قضایی و هم در سطح اجرایی، از جرائم موادمخدر کودکان بر ارتقای توانمندی کودکانی که بیشترین امکان ارتکاب جرائم در مورد آنها وجود دارد، تأکید می کند.

روش: تحقیق حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است؛ بدین صورت است که رویکردهای سیاست جنایی ایالات متحده آمریکا، کانادا و ایران در پیشگیری اجتماعی از جرائم کودکان مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. در پایان، ضمن توجه به هر یک از این رویکردها و مطالعه منابع آنها، نقاط ضعف در این خصوص ارائه شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها در تحقیق حاضر نشانگر این موضوع است که پیشگیری اجتماعی از جرائم کودکان، هم در ایالات متحده و هم در کانادا و ایران، در سه سطح پیشگیری «جامعه‌محور»، «خانواده‌محور» و «مدرسه‌محور» دنبال می شود.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می دهد که در سیاست جنایی ایالات متحده، برنامه‌های پیشگیرانه اجتماعی مانند آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان، مدیریت مدرسه، مدیریت کلاس‌های درس، بازسازماندهی سطوح مدارس یا کلاس‌های آنها و افزایش خودکنترلی که از رفتارهای شناختی یا روش‌های دستوری رفتاری دنبال می شود. در کانادا نیز برنامه‌های پیشگیری از جرائم کودکان مانند مراقبت‌های روزانه از کودکان و آموزش مهارت‌های والدین همراه با کودکان صورت می پذیرد. در ایران نیز برنامه‌های پیشگیری در سطح مدارس، خانواده، نهادهای دینی، و از طریق سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی اجتماعی متولی و مشارکت‌های اجتماعی و سمن‌ها اجرا می شود.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری اجتماعی، جرائم موادمخدر، کانادا، ایالات متحده آمریکا، ایران، کودک.

1- استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

2- استاد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

3- دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

4- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): A-

dastoor@yahoo.com



مقدمه

رویکرد سنتی به جرائم کودکان به‌طور عام، و جرائم موادمخدر به‌طور خاص، عمدتاً مبتنی بر اقدامات تنبیهی بوده که از سوی نظام قضایی و ضابطان قضایی اعمال می‌شده است. با این حال، نظر به عدم توفیق این رویکرد در پیشگیری از جرائم کودکان، رویکرد کلی به سمت سایر انواع پیشگیری از جرم، به‌ویژه پیشگیری اجتماعی رفته است (لادنسیا و همکاران،¹ 1997: 2). جرائم موادمخدری کودکان اصولاً به آن دسته از جرائم مربوط به قاچاق موادمخدر اطلاق می‌شود که کودکان اغلب به‌عنوان بزه‌دیده در جریان آن حضور دارند. در واقع، به این علت که کودکان به‌عنوان یک جمعیت آسیب‌پذیر در یکی از مراحل قاچاق موادمخدر قرار می‌گیرند، می‌توان آن‌ها را بزه‌دیده این جرائم نیز تلقی کرد؛ بنابراین پیشگیری اجتماعی از کودکان در جرائم موادمخدر را می‌توان یک نوع بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیز تلقی کرد. پیشینه ادبیات پیشگیرانه از جرائم، به صورت کلی، به مفهومی که در آن، علل و عوامل ارتکاب جرائم و نابه‌هنجارها تحت بررسی قرار می‌گیرد، به زحمت به چند دهه رسیده و به‌طور جدی از دهه 70 خورشیدی است که توجه پژوهشگران ایرانی به این سمت هدایت شده است (محمدی و دیگران، 1398: 210). در این بین، پیشگیری رشدمدار به‌عنوان یکی از شاخه‌های پیشگیری اجتماعی، در یک دهه گذشته توجه پژوهشگران ایرانی را به خود جلب کرده است. در این نوع پیشگیری، رهیافت آن است که علل ارتکاب جرائم مختلف از جمله جرائم کودکان در جوامع مختلف بسته به نوع تفکر، فرهنگ، پیشرفت و عقب‌ماندگی هر جامعه بررسی می‌شود؛ بنابراین ممکن است ارتکاب یک رفتار در جامعه‌ای، جرم و در دیگری، مستوجب مجازات نباشد (نصیری هنده و جلالیان، 1398: 110).

از میان انواع پیشگیری اجتماعی، پیشگیری رشدمدار ارتباط بیشتری با جرائم موادمخدری کودکان پیدا می‌کند. پیشگیری رشدمدار به‌عنوان موضوع مورد مطالعه در مقاله حاضر، از نظر دسته‌بندی‌های پیشگیری از جرم، به‌عنوان یکی از تقسیمات پیشگیری اجتماعی محسوب می‌شود که در آن، ارتقای پیوسته و پایدار توانمندی‌های اجتماعی کودکانی دنبال می‌شود که ریسک ارتکاب جرائم آن‌ها بالاست (قهرمانی افشار

و دیگران، 1395: 68). در پیشگیری رشدمدار، انسان به‌عنوان محور تبیین جنبه‌های مختلف یک جرم تلقی شده و پیشگیری از جرم، با توجه به روند سنی افراد، به سمت کودکان و نوجوانان هدایت شده تا روند شکل‌گیری یک جرم را با توجه به مدار سنی افراد کشف نماید (میرکمالی و حمیدی‌پور، 1398: 104)؛ به‌طور کلی، منظور از ریسک بالای ارتکاب جرائم توسط کودکان، تحقق استانداردهای خاصی از رفتارهای ضداجتماعی است که در بردارنده یکی از موارد ذیل باشد:

الف - رفتاری است که برای سایر افراد - ضرورتاً و نه به صورت فوری علیه اعضای خانواده - مضر می‌باشد؛

ب - رفتاری است پایدار و جدی؛

ج - این رفتار ضرورتاً نقض قوانین جزایی تلقی نمی‌شود؛

د - این رفتار، شاخص ریسکی است مبنی بر این‌که کودک مرتکب آن، به ارتکاب جرائم کیفری ادامه خواهد داد؛

ه - یک مشکل شدید و بالقوه اجتماعی بوده و از این‌رو، توسل به مداخلات رسمی و قانونی را ایجاب می‌کند (پریور و پاریس،¹ 2005: 10).

سؤال اصلی در تحقیق حاضر آن است که چه رویکردهایی در زمینه پیشگیری اجتماعی جرائم مواد مخدر کودکان در ایالات متحده و کانادا مورد اتباع قرار می‌گیرد که می‌تواند به‌عنوان دستاورد برای نظام حقوق ایران مورد لحاظ قرار بگیرد؟ با توجه به اینکه در این تحقیق، رویکردهای پیشگیری اجتماعی در سیاست جنایی ایالات متحده، کانادا و ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، باید گفت که تفاوت‌هایی میان این سه سیاست جنایی وجود دارد؛ بدین معنا که در ایالات متحده، بین شواهد علمی ناظر بر پیشگیری اجتماعی و اقدامات به منظور تبدیل آن‌ها به سیاست جنایی، ارتباطی وجود ندارد؛ در حالی که در کانادا، راهبرد ملی برای تقویت اقدامات پیشگیری رشدمدار مبتنی بر شواهد علمی است. با توجه به آمار نسبتاً بالای بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در کانادا، عوامل خانوادگی از جمله وزن پایین طفل در زمان تولد، نابه‌نجاری طبیعی، تأثیراتی مرتبط

1- Prior and Paris



با اینکه آیا کودک در شرایط محروم تربیت شده است، واکنش والدین نسبت به طفل قبل از دوران شیردهی و پس از آن، به‌ویژه در ارتباط با مصرف زیاد مشروبات الکلی و موادمخدر از سوی دیگر، نظارت شدید و خشونت‌آمیز والدین بر کودک، با افزایش ریسک ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز ارتباط مستقیم دارد. همچنین، حضور پدر طبیعی در مطالعات راکر و مراش¹ (1989) به‌عنوان یک عامل پیشگیری از جرم کودکان تلقی شده است، اما در بررسی موضوع در کشور ایران، نگاه دینی و مبتنی بر آموزه‌های اخلاق‌مدار در تربیت کودکان در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی به‌واسطه دستورالعمل‌ها و قوانین اجتماعی ازسوی نهادها و سازمان‌های متولی زمینه کاهش آسیب را در بین کودکان فراهم کرده است. هرچند با وجود تلاش‌های تمامی دستگاه‌های مسئول، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های آموزشی، در بخش‌هایی شاهد افزایش آسیب‌های اجتماعی ناشی از جرائم موادمخدر در بین کودکان در ایران بوده‌ایم، اما اهداف اساسی و برنامه‌ریزی کلی تمامی بخش‌های دولتی و غیردولتی در ایران در جهت کاهش آسیب، تعریف و تدوین شده است.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

در ارتباط با تحقیق حاضر، مطالعات اندکی با توجه به همین موضوع در نظام‌های پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان صورت پذیرفته است. با این حال، می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره داشت:

- حسن‌پور بافرانی و امین مسائلی (1395)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل کیفی‌شناسی مجازات اعدام در قانون مبارزه با موادمخدر، از جمله در میان کودکان» با دیدی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای، مجازات اعدام در قانون از نظر کیفی‌شناسی را بررسی کردند و عدم کارایی و ناتوانی آن در تأمین اهداف مجازات‌ها، عدم تناسب این کیفر با برخی رفتارهای مجرمانه موجود در قانون مزبور و نقض اصول حاکم بر مجازات‌ها به دلیل وضع و اجرای اعدام به اثبات رساندند.

1- Rucker and Morash

- قربانی و همکاران (1395)، در پژوهشی به بررسی اجمالی قوانین حاکم در مبارزه با موادمخدر در ایران و برخی کشورهای همسایه و چالش‌های موجود در منطقه پرداختند و در این زمینه، به صورت جزئی، به جرائم قاچاق کودکان نیز توجه کرده‌اند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد نوعی ناهماهنگی بین قوانین و مقررات بین کشورهای منطقه وجود داشته و این ناهماهنگی‌ها در مبارزه منطقه‌ای با موادمخدر تأثیرات منفی را در پی دارد و بایستی با دعوت از کشورهای همسایه، نسبت به تبادل اطلاعات، انتقال تجربیات و یکسان‌سازی قوانین و مقررات با توجه به شرایط اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای منطقه اقدام شود.
- مرتضوی (1388)، در پژوهش خود به صورت کلی به مطالعه در خصوص قاچاق موادمخدر و روان گردان و مقایسه پیرامون مجازات‌های کیفری در دو کشور ایران و فرانسه پرداخت. براساس نتایج بدست آمده، در حقوق ایران با اتخاذ سیاست جنایی افتراتی، رویکرد متفاوتی نسبت به این جرائم در دادگاه‌های انقلاب اسلامی، فقدان حق تجدیدنظرخواهی و پیش‌بینی مجازات اعدام از مشخصه‌های این سیاست است. در مقابل، کشور فرانسه در عین اعمال محدودیت و جرم‌انگاری این موضوع، در زمینه مسائل آیین دادرسی کیفری و نحوه رسیدگی به جرائم مذکور با سایر جرائم تفاوتی قائل نشده است.
- پژوهش دیگری توسط اسعدی (1388)، در خصوص موادمخدر و روانگردان در حقوق جنایی ملی و بین‌المللی انجام شد. این پژوهش درباره مشکل پیچیده و بغرنج مبارزه با موادمخدر، مباحث استدلالی با رویکرد حقوق جنایی افتراتی مطرح شده و هدف عمده آن، ارائه راهبردهای کاربردی حقوقی - فقهی در مبارزه با ابعاد عرضه و سوءمصرف موادمخدر است؛ بنابراین به‌جز بحث افتراقی بودن پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان در بقیه موارد نمی‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.



مبانی نظری پژوهش

پیشگیری اجتماعی:

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن و پیش‌بندی کردن آمده است (معین، 1363: 933). پیشگیری، یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد و گروه به عمل می‌آید، مانند پیشگیری از حوادث کار، پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان، جوانان و پیشگیری از تصادفات در جاده‌ها و غیره.

در استنباط مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن، دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود؛ برخی از جرم‌شناسان مفهوم موسعی برای تدابیر پیشگیرانه قائل شده و گروهی دیگر، پیشگیری را در مفهومی محدود مضیق به کار می‌برند.

پیشگیری اجتماعی به دنبال شکست برنامه‌های پیشگیری وضعی از جرم و اثبات این امر که تکیه صرف بر نهادهای انتظامی و قضایی در پیشگیری و مبارزه با جرم، نه تنها موجب کاهش میزان ارتکاب جرائم به صورت پایدار نمی‌شود، بلکه در مواردی حتی موجب افزایش این نوع جرائم نیز می‌شود، مطرح شد (گرانٹ¹، 2015: 8)؛ نمونه بارز آن در ارتباط با میزان تیراندازی‌ها پس از مشارکت پلیس در مبارزه با جرم یا جرائم خاص می‌باشد به نوعی که میان افزایش تیراندازی‌های مجرمانه و فعالیت‌های انتظامی و قضایی، ارتباط مستقیم وجود دارد، و سعی دارد که علل و عوامل خطرزای بزهکاری و بزه‌دیدگی را مورد هدف‌گیری قرار دهد. این بدان معناست که در پیشگیری اجتماعی، ((جرم یک فعالیت پیچیده بوده که به متمرکز بودن چند ریسک فاکتور در یک زمان واحد نیازمند می‌باشد. اگرچه متغیرهای مختلف بسیاری به ارتکاب جرائم ارتباط دارند، مجموعه گسترده‌ای از آثار تجربی نشان می‌دهند که ویژگی‌های فردی که با تأثیرات و عوامل محیطی همراستا شوند، ایجاد رفتار مجرمانه می‌کند)) (اندرسون و فلسن²، 2009: 8-9)؛ بنابراین در پیشگیری اجتماعی، عموماً بر نقش‌آفرینی پنج دسته، یعنی فرد، خانواده، مدرسه، همتایان و جوامع یا همسایگان تأکید زیادی می‌شود (براگا و

1- Grant

2- Andresen and Felson

طرفداران پیشگیری اجتماعی که عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته بوده تا در حال توسعه، به این دلیل که هرگونه مشارکت اجتماعی برای پیشگیری و مبارزه با جرائم به مشروعیت حاکمیت ارتباط داشته و دولت‌ها در عموم کشورهای در حال توسعه از مشروعیت لازم برخوردار نمی‌باشند (پلسی،² 2009: 129-130) بر این باورند که علت‌شناسی بزهکاری در عوامل اجتماعی مستتر است.

رویکردهای پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان در ایالات متحده آمریکا:

جدا از این انتقاد که ایالات متحده کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک را امضاء کرده اما یکی از دو کشوری است که هنوز آن را به تصویب نرسانده و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری در پیشگیری از جرائم کودکان را بر خود لازم‌الاجراء ندیده است، عمده اقدامات در زمینه توسعه پیشگیری از جرائم کودکان در این کشور در دهه 1970-1980 صورت گرفته است؛ تلاش برای بهبود رویکردهای پیشگیری اجتماعی نباید مانع از ارتقای رویکردهای پیشگیری وضعی شود. برای نمونه، با اینکه قانون عدالت و جرم جوانان ایالات متحده بر تفکیک جوانان از بالغین به‌عنوان یکی از التزامات اساسی محکومیت‌های سالب آزادی تأکید داشته است، مقررات آن نسبت به تفکیک کودکان و بالغین در محکومیت‌های سالب آزادی محکومین بالغ قابل‌اجراء نیست و همین امر یکی از گرایش‌های مهم کودکان به ارتکاب جرائم خشن‌تر در ایالات متحده می‌باشد؛ چراکه احتمال دارد کودکان در مقایسه با بالغین، پنج برابر بیشتر در معرض خشونت‌ها یا سوءاستفاده‌های جنسی و دو برابر بیشتر از سوی کارکنان زندان‌ها مورد تعرض جنسی قرار بگیرند (فاگان، فورست و ویونا،³ 1989: 16).

1- آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان

آموزش مهارت‌های اجتماعی یا برنامه‌های شایستگی اجتماعی برای کودکان، عموماً بر روی ریسک‌فاکتورهای برانگیختگی سریع، همدردی پایین و خودمحور بودن کودکان تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که وبستر و تایلر (2001) خاطرنشان ساخته‌اند، این نوع از

1- Braga and Weisburd

2- Peaselee

3- Fagan, Frost and Vivona



برنامه‌های فردمحور به منظور ((آموزش ارزش‌های اجتماعی، احساسی و شناختی به کودکان از طریق مورد توجه قرار دادن مهارت‌های متناسب اجتماعی، توانایی‌های مؤثر حل مشکلات، مدیریت خشم و زبان احساسات)) تنظیم می‌شوند. یک برنامه عادی آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان در بردارنده یک یا چند مورد از این مؤلفه‌ها بوده که در شمار جلسات محدود ارائه شده و برای مدت زمان نسبتاً محدودی ادامه پیدا می‌کند (لوسل و بلمن،¹ 2006: 116). محققان تحقیقات پیوسته‌ای را در ارتباط با تأثیرات آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان بر رفتارهای ضداجتماعی انجام داده‌اند. این تحقیقات که 55 آزمایش کنترل شده تصادفی را که از 89 مورد مقایسه بین گروه کنترل و گروه آزمایشی برخوردار بوده‌اند، شامل می‌شد که تقریباً نیمی از مقایسه‌های صورت گرفته، به نفع کودکانی بوده‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی را دریافت کرده‌اند و کمتر از یک‌دهم از آنها، نتایج نامطلوبی را از خود بروز دادند.

2- پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدوری کودکان با تأکید بر نقش مدرسه و جامعه

برنامه‌های پیشگیری از جرائم کودکان دارای رفتارهای نابه‌هنجار در مدارس و جامعه، ریسک‌فاکتورهای محیطی را در ارتباط با ارتکاب جرائم از سوی این کودکان مورد نظر قرار می‌دهد. مهم‌ترین این ریسک‌فاکتورها عبارت‌اند از: رشد یافتن در وضعیت‌های پایین اقتصادی اجتماعی، شرکت کردن در مدرسی که از سطح بالای ارتکاب جرائم برخوردار بوده و سکونت در مناطق محروم (فارینگتون و ولش،² 2007: 65).

2-1- پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدوری کودکان با تأکید بر نقش مدارس

مدارس یک ساختار کلیدی اجتماعی در زمینه پیشگیری رشدمدار از جرائم، از مراحل ابتدایی تا دبیرستان می‌باشند (الیت و ویلیامس،³ 1998: 36). تمامی مدارس تلاش می‌کنند تا اعضای مؤثر و مولدی از جامعه را ایجاد کنند. بر مبنای نظر ناجاگا، گوتفردسون و ویلسون (2002)، «دانش‌آموزانی که بدون فکر عمل می‌کنند، کمتر به مدارس وابسته بوده، تعهدات کمتری نسبت به محقق ساختن اهداف آموزشی داشته و باورهای اخلاقی‌شان به اعتبار قواعد عرفی برای رفتارهای آنها بسیار ضعیف‌تر از آن است

1- Losel and Beelman

2- Farrington and Welsh

3- Elliot and Williams

که آنها را از ارتکاب جرم بازدارد». نقش مدارس در تأثیرگذاری بر این ریسک‌فاکتورها و پیشگیری از ارتکاب جرم توسط کودکان، هم در مدارس و هم در محیط‌های بزرگ‌تر، از سازوکارهای پیشگیری وضعی و اداری که به منظور ایجاد محیط امن‌تر در مدارس صورت می‌گیرد (مانند قرار دادن پلیس در مدارس یا نصب دوربین‌های مداربسته در آن اماکن)، متفاوت است.

مطالعات تجربی و جامعی در ارتباط با تأثیر و کارآمدی برنامه‌های مدرسه‌محور پیشگیری اجتماعی از جرم، در مراحل ابتدایی صورت گرفته است. ویلسون، گوتفردسون و ناجاکا (2001)، فراتحلیلی را انجام دادند که 165 مطالعه تصادفی و نیمه‌تجربی از 216 مورد مقایسه گروه‌های آزمایشی - کنترل را شامل می‌شد. فراتحلیل آنها، چهار نوع برنامه پیشگیری رشد‌مدار مدرسه‌محور را که در پیشگیری از جرائم دانش‌آموزان مؤثر بوده‌اند، در برمی‌گرفت. این چهار برنامه شامل مدیریت مدرسه و انضباط، مدیریت کلاس‌های درس یا مدیریت دستوری در مدارس، بازساماندهی سطوح مدارس یا کلاس‌های آنها و افزایش خودکنترلی یا شایستگی اجتماعی که از رفتارهای شناختی یا روش‌های دستوری رفتاری بهره می‌گرفتند، می‌شدند (ویلسون، گوتفردسون و ناجاکا،¹ 2002: 14)؛ از این بین، بازساماندهی سطوح مدارس و کلاس‌های درس دانش‌آموزان، بیشترین تأثیر را در پیشگیری از جرائم دانش‌آموزان نابه‌هنجار داشته است و موجب کاهش 17 درصدی ارتکاب جرائم شده است. همچنین، به جز روش مدیریت مدارس و انضباط، دو روش دیگر در این مطالعه در پیشگیری از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی توسط دانش‌آموزان نابه‌هنجار مؤثر بوده‌اند و روش افزایش خودکنترلی نیز در پیشگیری از سایر مشکلات رفتاری دانش‌آموزان نابه‌هنجار مؤثر بوده‌اند.

دو فراتحلیل دیگر که یکی از سوی لیپسی و ویلسون (2005) و دیگری از سوی میتون و دیگران (2002) صورت گرفته‌اند، پشتیبانی بیشتری از کارآمدی و تأثیرگذاری برنامه‌های پیشگیری از جرم در مدارس، به‌ویژه در ارتباط با آن دسته از کودکانی که دارای بیشترین ریسک‌فاکتورهای ارتکاب جرم هستند، ارائه می‌دهند (لیپسی و ویلسون،² 2001: 56).

1- Gottfredson, Wilson and Najaka

2- Lipsey and Wilson



2-2- پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخداری کودکان با تأکید بر نقش جامعه

پیشگیری اجتماعی از جرم با تأکید بر نقش جامعه به‌عنوان «اقداماتی تعریف شده‌اند که هدف از آن‌ها، تغییر شرایط اجتماعی است که اعتقاد بر این است که در جوامع مسکونی موجب ارتکاب جرائم، به‌ویژه در بین کودکان و نوجوانان می‌شود» (ولش،¹ 2003: 24). نهادهای محلی اجتماعی از جمله انجمن‌های محلی، کلیساها و باشگاه‌های جوانان، معمولاً جوامعی هستند که از طریق آن‌ها این برنامه‌ها اجرایی می‌شوند.

دو نوع برنامه پیشگیری اجتماعی از جرم با تأکید بر نقش جامعه در ایالات متحده آمریکا انجام گرفته‌اند:

الف- برنامه‌های پسامدرسه‌ای؛ برنامه‌هایی هستند که در آن، سطح اطمینان به‌واسطه شواهد علمی در دسترس، ناچیز بوده، با این حال، مبانی تجربی چندی برای پیش‌بینی این موضوع وجود دارد که تحقیقات علمی بیشتر می‌تواند از این نتیجه‌گیری‌ها پشتیبانی کند (شرمن،² 1997: 32؛ ولش و هوشی،³ 2002: 48).

ب- برنامه‌های راهبری یا منتورینگ؛ برنامه‌های پسامدرسه‌ای، بر این مبنا پایه‌گذاری شده‌اند که فرصت‌های اجتماع‌مدار را برای کودکان در ساعت‌های پس از مدرسه به نحوی ارائه کند که بتواند ورود آن‌ها به رفتارهای مجرمانه در جامعه را کاهش دهد. این دسته از برنامه‌ها، شماری از ریسک‌فاکتورها را در ارتباط با جرائم کودکان، از جمله همبستگی و اتحاد با هم‌تایان مجرم کودک، مورد توجه قرار می‌دهند. این برنامه‌ها شامل انواع مختلفی از برنامه‌های پسامدرسه‌ای از جمله برنامه‌های اوقات فراغت کودکان، برنامه‌های باشگاه ورزشی آن‌ها و ... را شامل می‌شود.

به‌عنوان بخشی از تلاش‌ها برای به‌روزرسانی نتایج تحقیقات، شرمن (1997)، هوشی و ولش (2002)، سه برنامه پسامدرسه‌ای که از تأثیر زیادی بر روی ارتکاب جرائم کودکان برخوردار بودند را مورد شناسایی قرار دادند. هریک از برنامه‌ها تأثیرات مطلوبی بر جرائم کودکان داشته و یکی از برنامه‌ها بدین‌صورت گزارش شد که نرخ‌های پایین‌تر

1- Welsh

2- Sherman

3- Welsh and Hoshi

مصرف موادمخدر را برای شرکت کنندگان در برنامه نسبت به گروه کنترل دربردارند. هوشی و ولش با این تحلیل (شرمن) مواجه شدند که برنامه‌های جامعه محور پسامدرسه‌ای، قطعاً در پیشگیری از جرائم کودکان نقش ایفاء می‌کند؛ اما در این نقطه نظر (با شرمن) اختلاف داشتند که این استنتاج صرفاً نسبت به برنامه‌های پسامدرسه‌ای قابل اعمال بوده که حول مراکز تفرجگاهی مانند پارک‌ها اجرایی می‌شوند (شرمن،¹ 1997: 32).

گوتفردسون و دیگران (2004)، به‌عنوان بخشی از یک مطالعه گسترده‌تر که تأثیرات برنامه‌های پسامدرسه‌ای را بر ارتکاب جرائم کودکان در ایالت مریلند بررسی می‌کنند، تأثیر این برنامه‌ها را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. آنها نتیجه‌گیری کردند که شواهد ناکافی برای حمایت از این ادعاها وجود دارد که برنامه‌های پسامدرسه‌ای در پیشگیری از جرائم کودکان یا سایر مشکلات رفتاری آنها تأثیر داشته است (گوتفردسون و دیگران،² 2004: 256-260). با این حال، آنها به این موضوع اشعار داشتند که در بین شمار محدودی از مطالعات تجربی و نیمه‌تجربی که در مطالعه ولش و هوشی دو تا از برنامه‌ها قرار داشتند، برنامه‌های پسامدرسه‌ای که «دربردارنده سطح بالایی از توسعه مهارت‌های شایستگی اجتماعی هستند، می‌توانند مشکلات رفتاری کودکان را تقلیل دهند» (گوتفردسون و دیگران،³ 2004: 256-260).

2-3- آموزش مدیریت والدین

انواع مختلفی از آموزش والدین به منظور پیشگیری و مبارزه با مشکلات رفتاری برون‌گرا در کودکان و ارتکاب جرائم توسط آنها به کار گرفته شده‌اند. آموزش مدیریت والدین به «فرآیندهای رفتاری اشاره دارد که در آن، والدین به نحوی آموزش داده می‌شوند که رفتار کودک را در خانه تغییر دهند». پترسون (1982) آموزش مدیریت والدین را توسعه داد. مشاهدات دقیق وی در ارتباط با تعاملات والدین- کودکان نشان داد که والدینی که دارای کودکان ضدا اجتماعی هستند فاقد روش‌های متناسب تربیتی هستند. این والدین به فرزندانشان، نحوه رفتار متناسب را آموزش نداده و به منظور

1- Sherman

2- Gottfredson et al

3- Gottfredson et al



اطمینان یافتن از اینکه رفتار فرزندانشان متناسب می‌باشد، بر آن‌ها نظارت نکرده و قواعد و دستورهای مورد نظرشان را با پاداش‌ها و مجازات‌های متناسب همراه نمی‌کنند. والدینی که دارای کودکان ضداجتماعی هستند از تنبیه بیشتری، از جمله فریاد زدن یا تهدید کردن نسبت به کودکان استفاده می‌کنند. با این حال، تنبیهات و مجازات آن‌ها، رفتار نابه‌هنجار کودکان را محدود نمی‌کند.

پترسون تلاش کرد تا روش‌های مؤثر تربیتی کودک، از جمله ملاحظه دقیق آنچه که کودک انجام می‌دهد، نظارت بر رفتار کودکان در طول مدت طولانی، بیان صریح قواعد خانه، پاداش و تنبیهات مشروط به رفتار کودکان و مذاکره در مورد اختلافاتی که ممکن است تنش و بحران در ارتباط با آن‌ها تشدید شود را شناسایی کند. مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که این روش (آموزش مدیریت والدین) در کوتاه‌مدت بر رفتارهای ضداجتماعی کودکان تأثیرگذار بوده و آن را کاهش داده است (پترسون و رایید، 1982: 640).

رویکردهای پیشگیری اجتماعی از جرائم کودکان در سیاست جنایی کانادا:

1- پیشگیری اجتماعی از جرائم کودکان با تأکید بر نقش خانواده

به مانند ایالات متحده، پیشگیری رشدمدار از جرائم کودکان با تأکید بر نقش خانواده در سیاست جنایی کانادا نیز عموماً عوامل ریسک‌فاکتور ارتکاب جرائم توسط کودکان همچون تربیت ضعیف والدین، نظارت ضعیف و انضباط شدید را مورد نظر قرار می‌دهند.

به‌طور معمول، خانواده بهترین محیط برای پیشگیری از جرم است؛ بدین‌گونه که فرزندان به نوعی به خاطر رفتارهای مناسب یا مطلوب اجتماع تشویق شده و به نوعی به دلیل رفتارهای نامناسب یا ضداجتماع مجازات شوند. برنامه‌های پیشگیری از جرم خانواده‌محور معمولاً فاکتورهای ریسک خانوادگی، از جمله نظارت ضعیف بر کودکان و رفتارهای نابه‌هنجار یا شدید با کودکان را دربرمی‌گیرد. این برنامه‌ها ریسک‌فاکتورهای جرم و ارتکاب آن توسط کودکان و نوجوانان را که مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، مورد توجه قرار می‌دهد (کورریه، 2001: 214). این برنامه‌ها به لحاظ جرم‌شناختی به سه دسته آموزش‌های مدیریت والدین، خانواده درمانی عملیاتی و حفاظت از خانواده‌ها

1- Patterson and Reid

2- Currie

تقسیم‌بندی می‌شوند. معمولاً آن‌ها به دنبال تغییر عوامل اجتماعی ارتکاب جرائم توسط کودکان در محیط خانواده هستند؛ به نحوی که کودکان در قبال رفتارهای متناسب یا اجتماع‌مدار مورد تشویق قرار گرفته و در قبال رفتارهای ضداجتماعی یا غیرمتناسب، مورد مجازات قرار بگیرند. پنج دسته از برنامه‌های پیشگیری از جرم خانواده‌محور، عموماً در پیشگیری از جرائم کودکان در ایالات متحده آمریکا مؤثر بوده‌اند:

1- مراقبت‌های روزانه از کودکان؛

2- آموزش والدین که در مورد کودکان با سنین کمتر صورت می‌گیرد؛

3- آموزش جامعه‌محوری/ خانگی والدین که در مورد کودکان با سنین بالاتر صورت می‌گیرد؛

4- چند جانبه درمانی؛

5- دیدار درمانی خانگی.

در ایالات متحده از بین این پنج برنامه، رویکرد چند جانبه درمانی و آموزش جامعه‌محور/ خانگی والدین که در مورد کودکان با سنین بالاتر صورت می‌گیرد، در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه کودکان نقش مؤثرتری را ایفاء کرده است.

2- مراقبت‌های روزانه از کودکان

برنامه «دوران پیش از مدرسه زیبا»، یکی از بهترین و مؤثرترین برنامه‌های پیش از مدرسه در کانادا در زمینه پیشگیری از جرائم کودکان می‌باشد (ساندرس و همکاران، 2000: 626). این برنامه در ابتدای امر، یک برنامه پیشگیری از جرائم کودکان آفریقایی- آمریکایی بود که به‌عنوان گروه‌های آزمایشی و کنترل انتخاب شده بودند. در این برنامه، کودکانی که در گروه آزمایشی قرار گرفته بودند، برنامه‌های روزانه پیش از مدرسه پیشگیری از جرم را برای مدت دو سال به صورت هفتگی طی کردند و نتایج این آزمایش، متعاقباً، منافع زیادی را در ارتباط با پیشگیری از جرم از طریق مراقبت‌های روزانه آشکار کرد؛ از جمله نشان داده شد که در سن 19 سالگی، احتمال بیشتری وجود داشت که کودکانی که در گروه آزمایشی بودند استخدام شده، از دبیرستان فارغ



التحصیل شده و آموزش‌های شغلی و دانشگاهی بهتری را دریافت کنند. اسواینه‌ها و دیگران (2005)، با مطالعه افراد تا سن 40 سالگی، کودکان سابق که در گروه آزمایشی (دوران پیش از مدرسه زیبا) بودند، به این نتیجه دست یافت که تفاوت‌های گروه آزمایشی و کنترل حتی تا این سن نیز از نظر جرم‌شناسی مهم بوده است. در مقایسه با گروه کنترل، اعضای گروه آزمایشی به مراتب، بازداشت‌های بسیار کمتری را برای جرائم خشن (32 درصد در مقابل 80 درصد)، جرائم علیه اموال (36 درصد در مقابل 58 درصد) و جرائم موادمخدری (14 درصد در مقابل 34 درصد) تحمل کرده بودند. سطوح بالاتر تحصیلاتی و حتی مقادیر بالاتر درآمدی در افراد گروه آزمایش مشاهده شد (استرانگ و شرمن،¹ 2005: 17).

به مانند برنامه آزمایشی (دوران پیش از مدرسه زیبا)، مرکز کودک - والدین در شیکاگو، برنامه‌های آموزشی پیش از مدرسه پیشگیری از جرم را برای کودکان محروم بین سنین سه تا چهار سال برگزار کرد در حالی که حمایت‌های خانوادگی نیز به همراه داشت. با این حال، این برنامه برخلاف برنامه آزمایشی (دوران پیش از مدرسه زیبا)، صرفاً تا سن 9 سالگی، کودکان را در گروه آزمایشی در معرض آموزش‌های پیشگیری از جرم پیش از مدرسه قرار داد. در هر صورت، نتایج آزمایش صورت‌گرفته مشخص کرد که در مقایسه با گروه کنترل، آن دسته از کودکانی که برنامه‌های مرکز کودک - والدین را دریافت کرده بودند، احتمال کمتری داشت که مرتکب جرائم غیرخشن شوند (17 درصد در مقابل 25 درصد) و همچنین، جرائم خشن (9 درصد در مقابل 15 درصد).

یکی از پیشنهادهای کارگروه ملی پیشگیری از جرم کانادا «توسعه مراکز دائمی مسئولیت در تمامی بخش‌های دولتی» بوده که این مراکز می‌بایستی در قبال شناسایی، برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه برنامه‌ریزی و به‌کارگیری و هماهنگ‌سازی ذی‌نفعان اصلی فعال، به‌ویژه بین سنین 15 تا 19 باشند.

3- آموزش والدین با کودکان دارای سنین کمتر

ویستر، استراتون و هاموند (1997)، تأثیر آموزش والدین و آموزش مهارت‌های کودک را در حدود 100 کودک در منطقه سیاتل (میانگین 5 سال) مورد ارزیابی قرار

1- Strang and Sherman

دادند. کودکان و والدین آن‌ها به نحو تصادفی، یکی از موارد ذیل را دریافت می‌کردند:

الف - آموزش والدین؛

ب - آموزش مهارت‌های کودک؛

ج - آموزش همزمان مهارت‌های والدین و مهارت‌های کودک؛

د - آموزش نسبت به گروه کنترل (وبستر و هاموند،¹ 1997: 98).

هدف از آموزش مهارت‌ها در این برنامه‌ها، آن بود که رفتارهای مطلوب اجتماع و مهارت‌های بین‌شخصی را با استفاده از مدل‌پردازی ویدیویی تقویت کند، در حالیکه آموزش مهارت‌های والدین دربردارنده جلسات هفتگی بین والدین و روان‌درمان‌گرها برای مدت 22 - 24 هفته می‌شد. گزارش‌های والدین و مشاهدات خانگی نشان می‌داد که کودکان در هر سه گروه آزمایشی مورد مطالعه (آموزش والدین، آموزش مهارت‌های کودک و آموزش همزمان مهارت‌های والدین و مهارت‌های کودک) مشکلات رفتاری کمتری را نسبت به کودکان در گروه کنترل، از خود بروز می‌دهند. اختلاف کمی میان نتایج سه گروه آزمایشی بالا بود؛ اگرچه کودکانی که به‌طور همزمان در معرض آموزش‌های کودک و آموزش والدین قرار گرفته بودند، کمترین میزان مشکلات رفتاری را از خود بروز داده بودند.

روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر، یک روش توصیفی - تحلیلی است و در این مسیر، از منابع کتابخانه‌ای، به‌ویژه منابع انگلیسی، استفاده زیادی شده است. از آن‌جا که پیشگیری اجتماعی از جرائم مواد مخدری کودکان رویکرد جدیدی بوده که عمدتاً در شرایط فعلی در کشورهای توسعه‌یافته، از جمله کانادا و ایالات متحده دنبال می‌شود، از این‌رو، توجه به این رویکردها و مطالعه منابع آن‌ها به نحو بهتر و مؤثرتری می‌تواند برای نظام پیشگیری اجتماعی ایران سودمند باشد.

1-Webster and Hammond



یافته‌های پژوهش

- بررسی تطبیقی رویکردهای پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدوری کودکان در ایران با پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدوری کودکان در کانادا و ایالات متحده آمریکا:

با توجه به اینکه از بین 80 میلیون نفر جمعیت ایرانی، 24 تا 25 میلیون از آن‌ها را جوانان، به‌ویژه محصلین تحت پوشش قرار داده‌اند، بنابراین توسل به انواع پیشگیری اجتماعی، از جمله اجتماع‌محور و رشدمدار می‌تواند با توجه به این حجم از جمعیت کودکان در کشور، مؤثر واقع افتد؛ البته چالش‌هایی نیز به‌طور طبیعی در این ارتباط وجود دارد؛ از جمله در زمینه تعریف کودک و سطوح حمایتی از آن که بر روی قیمت تأثیرگذار بوده است.

- بررسی تطبیقی نقش خانواده و پیشگیری از جرم موادمخدوری کودکان در ایران با کانادا و ایالات متحده آمریکا:

وظیفه خانواده است که فرزندان خود را برای یک زندگی مستقل و سالم در آینده و در جامعه آماده کند؛ به‌طوری‌که، فرزندان علی‌رغم اینکه بتوانند در مواجهه با هر برخوردی از سوی اعضای جامعه و هر مشکلی که بر سر راه او قرار می‌گیرد، با توانمندی تدبیر کرده و راه موفقیت و پیشرفت خود را باز کنند، به راه‌های منحرفانه و خلاف‌کارانه هم به هر دلیلی، چه به خاطر کمبودهای اقتصادی و چه مسائل عاطفی کشیده نشوند؛ اما در این مورد نباید تمام تکالیف تربیتی فرزندان را بر عهده خانواده گذاشت و با این کار برای جامعه به‌طور اعم، مسئولین و نهادهای مختلف، به‌ویژه نهاد تأثیرگذار مدرسه به‌طور اخص، هیچ‌گونه وظیفه‌ای متصور نشد و بدون کمک و مساعدت به خانواده، از خانواده انتظار تحویل دادن فرزندی با خصوصیات عالی داشت؛ بنابراین باید رابطه خانواده با مدرسه و اولیاء مدرسه احیاء شده و در مدرسه به نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان اهمیت بیشتری داده شود و دارای ضمانت اجرایی باشد تا کودکان درصدد جلب رضایت و خشنودی خانواده از رفتار خود شوند. همچنین، کودکان و نوجوانان در صورت جلب رضایت خانواده، به خاطر رفتارهای خوب خود در خانه، در مدرسه نیز مورد تشویق قرار گیرند تا به این صورت کودکان از همان سنین اولیه به

اهمیت جلب نظر خانواده و احترام و حرمتی که جامعه برای خانواده قائل است واقف شوند تا سعی در جلب نظر خانواده در رفتارهای خود کنند. از طرف دیگر، خانواده‌ها هم باید مکلف شوند تا اقدامات تربیتی منظمی در جهت تربیت صحیح اطفال انجام بدهند که طبیعتاً در این جهت حتماً باید آموزش‌های لازم را ببینند که می‌توان این وظیفه را بر عهده مدرسه گذاشت که با الزامی کردن حضور والدین در مدرسه و همکاری خانواده‌ها با اولیاء مدارس و با دعوت از متخصصین علوم تربیتی، از جمله روانشناسان و دعوت از کارشناسان کانون اصلاح و تربیت جهت توجیه و آگاه‌سازی خانواده‌ها از خطرات در کمین فرزندان آن‌ها و همچنین، دعوت از والدین بچه‌های موفق و... خانواده‌ها را در جهت تربیت صحیح فرزندان دارای علم و آگاهی ضابطه‌مند سازد. واضح است که دولت باید در این راه با تدارک ابزارهای انجام این طرح و فراهم کردن امکانات لازم، به‌خصوص با تأمین نیازهای مالی مدرسه و تدوین مقررات و برنامه‌های دقیقی در این راه، خانواده و نظام آموزش و پرورش را یاری کنند. سیاست جنایی تقنینی ایران نیز به‌جای برخورد قهرآمیز و سرکوب‌گر نسبت به جرائم اطفال و نوجوانان، رویکرد افتراقی و آینده‌نگر را با هدف اصلاح و پیشگیری اتخاذ کرده است.

- نقش مدارس در پیشگیری از جرائم مواد مخدر در بین کودکان

1) همان‌طور که بیان شد، نقش مدارس در پیشگیری اجتماعی از جرائم مواد مخدری کودکان در ایالات متحده آمریکا و کانادا بسیار مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ البته، طی چند سال گذشته، در حوزه سیاست‌گذاری برنامه‌های آموزش کودکان در ایران، از سوی سازمان آموزش و پرورش، طرح‌ها و برنامه‌های خوبی در حوزه آموزش، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی شروع شده است. همچنین، در اجرای اوامر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حدود 4 سال است که طرح ملی «کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی» با مشارکت دستگاه‌های مهم و اثرگذار دارای وظایف اجتماعی، آغاز شده و برکات چشمگیری نیز داشته است.

2) علاوه بر این، با افزایش زمینه‌های نشاط و شادابی در مدارس، زمینه‌های مخاطره در برابر آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و از همه مهم‌تر، مداخله دادن والدین دانش‌آموز در این زمینه، بسیار کمک‌کننده خواهد بود. درباره نقش خانواده‌ها در



زمینه پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان، باید بدانیم که داشتن ارتباط با مدرسه، مدیر و مشاور مدرسه، مهم‌ترین فعالیت ضروری خانواده‌ها است.

3 از نکات مهم دیگر، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان و مشارکت آنها در فضای خانه و صمیمیت با فرزندان است. زمینه‌سازی استفاده از خدمات مشاوره‌ای و راهنمایی مدارس یا دیگر نهادها و مؤسسات، ارائه‌دهنده چنین خدماتی است. طرح «ماد»، مداخلات و حمایت‌های روانی و اجتماعی دانش‌آموزان در معرض خطر با گروه مخاطب دانش‌آموزان آسیب‌دیده، از دیگر طرح‌های اجرا شده است که با هدف توجه ویژه به دانش‌آموزان آسیب‌دیده و ارائه خدمات آموزشی، درمانی و مشاوره‌ای به آنها و خانواده‌های مورد نظر صورت می‌گیرد.

4 در بحث پیشگیری، داشتن محیطی سالم بسیار اهمیت دارد و مهم‌ترین نکته در این امر، تقویت و تحکیم پیوند عاطفی و روانی مدرسه‌ها و دانش‌آموزان است. از سوی دیگر، شناسایی عوامل و فضاهای مخاطره‌آمیز دانش‌آموزان در مدرسه و بیرون، و مداخله به‌موقع در این زمینه، شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر، به‌ویژه دانش‌آموزان بیش‌فعال دارای اختلالات روحی و روانی و توانمندسازی آنها، با ارائه به‌موقع خدمات راهنمایی، مشاوره‌ای و حمایتی اهمیتی به‌سزا دارد.

- پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان از طریق مشارکت اجتماعی و سمن‌ها

به‌طور عمده، نکته مهمی که در سیاست پیشگیری اجتماعی ایران در مقابل جرائم موادمخدری کودکان مغفول مانده و در پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان در ایالات متحده و کانادا (همان‌طور که تصریح شد) تأکید شده است، پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدر از طریق مشارکت اجتماعی و سمن‌ها می‌باشد. مشارکت اجتماعی، به آن دسته از فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت دارد که از طریق آنها، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع، دربردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت

خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است. مشارکت اجتماعی، شرکت فعالانه افراد در زندگی اجتماعی است (دبیرخانه شورای امنیت کشور، 1395: 4). شاید مهم‌ترین تحول قانونی در این زمینه، پیش‌بینی ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری باشد که در آن، بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه «اطفال و نوجوانان» تأکید شده است و حتی در تبصره دوم این ماده که افزوده شده است مقامات قضایی و انتظامی بایستی بزه‌دیدگان را از خدمات این سازمان‌ها بهره‌مند نمایند، به نوعی پیشگیری اجتماعی برخورد پیدا می‌کنیم.

در برنامه‌های مشارکتی در ایران، در جهت کاهش جرائم موادمخدر بر مبنای اهداف زیر اقدام می‌شود که شامل:

1. درگیری ذهنی و عاطفی کودکان: درگیری شخص کودکان، نه درگیری مهارت‌ها، توانایی‌ها و امکانات و نوعی درگیری روانشناختی است نه جسمانی، که کودک احساس می‌کند به صورت واقعی در امور مشارکت داده می‌شود و به خود درگیری دست می‌یابد.

2. یاری دادن به کودکان: مشارکت، چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته‌شده است و یک داد و ستد اجتماعی دو سویه میان افراد است و نه قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادست. لذا در طرح‌های مشارکتی در بین کودکان این موضوع مدنظر قرار گرفته شده است.

3. مسئولیت‌پذیری کودکان: در این برنامه‌ها، مشارکت، کودکان را بر می‌انگیزاند تا در کوشش‌های خود مسئولیت‌پذیر باشند و مشارکتی با معناست که در آن، افراد احساس مسئولیت کنند و کودکان باید نسبت به این ابعاد شناخت داشته باشند.

در کنار فعالیتهای مشارکتی عمومی و دولتی در ایران، با توجه به حاد بودن مسئله جرائم موادمخدر در جامعه، به‌ویژه در بین کودکان و جوانان، انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی در قالب سمن‌ها، در سطح جامعه و در حوزه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند. در ایران بیش از یک دهه است که این سمن‌ها فعالیتهای جدی و اثرگذار خود را شروع کرده‌اند و شاهد نیروهای داوطلب، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های اجتماع‌محوری هستیم که فعالانه وارد مبارزه با معطل جرائم موادمخدر و



پیشگیری و درمان آن شده‌اند. هم‌اکنون حدود بیش از 14 هزار سازمان و تشکل مردم‌نهاد در کشور فعالیت می‌کنند که فقط 6 هزار تشکل از این تعداد، با حوزه کاهش جرائم موادمخدر مرتبط است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشگیری اجتماعی بر سازوکارهای جدید در زمینه مبارزه و پیشگیری از جرائم مختلف تأثیرگذار می‌باشند و این امر، نظر به شکست تلاش‌ها در زمینه پیشگیری وضعی از جرائم بوده است. در زمینه جرائم موادمخدری کودکان، پیشگیری اجتماعی به دو دلیل مهم، اساسی‌تر می‌باشد: نخست اینکه، کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار در هر جامعه‌ای محسوب شده و پیشگیری اجتماعی از جرائم آن‌ها نوعی بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیز محسوب می‌شود؛ دوم، با توجه به اینکه خانواده در وهله اول و مدارس در وهله دوم، نقش مهمی در تربیت و آموزش کودکان ایفاء می‌کنند، بنابراین پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان می‌تواند نتایج مطلوبی را دربرداشته باشد. در تطبیق میان رویکردهای پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان در ایران و ایالات متحده می‌توان به این نتیجه دست یافت که در میان رویکردهای پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کودکان در ایالات متحده، مهم‌ترین مؤلفه در پیشگیری مزبور، آموزش کودکان با هدف آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان بوده است. شکل دیگری از آموزش که می‌تواند در پیشگیری کودکان از بزهکاری نقش داشته باشد، برنامه‌ریزی بعد از مدرسه است.

در سیاست‌های پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدری کانادا و ایالات متحده، به‌طور معمول خانواده بهترین محیط برای پیشگیری از جرم است؛ بدین‌گونه که فرزندان به نوعی به خاطر رفتارهای مناسب یا مطلوب اجتماع تشویق شده و به نوعی به دلیل رفتارهای نامناسب یا ضداجمع‌مجازات شوند. برنامه‌های پیشگیری از جرم خانواده‌محور معمولاً فاکتورهای ریسک خانوادگی، از جمله نظارت ضعیف بر کودکان و رفتارهای نابه‌هنجار یا شدید با کودکان را دربرمی‌گیرد. این در حالی است که در سیاست جنایی ایران در مقابل جرائم موادمخدری کودکان به‌طور عمده بر رویکردهای سرکوب‌گرایانه تمرکز می‌شود؛ اما در سیاست‌های کلی مبارزه با موادمخدر مصوب

1385/9/5، مبارزه فراگیر و قاطع علیه کلیه فعالیت‌ها و اقدامات غیرقانونی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان و پیش‌سازهای آن‌ها از قبیل کشت، تولید، ورود، صدور، نگهداری و عرضه مواد و اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر و روان‌گردان با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی با تأکید بر تقویت باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی، هنری، ورزشی، آموزشی و تبلیغاتی در محیط خانواده، کار، آموزش و تربیت و مراکز فرهنگی و عمومی به‌عنوان مهم‌ترین سیاست‌های اتخاذ شده در کاهش جرائم مواد مخدر در نظر گرفته شده است.

از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در کاهش جرائم مواد مخدر در بین کودکان، ارتباط بین خانواده و کودکان و همچنین، اقدامات پیشگیرانه و آموزشی در مدارس ایران است؛ بنابراین باید رابطه خانواده با مدرسه و اولیای مدرسه احیاء شده و در مدرسه به نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان اهمیت بیشتری داده شود و دارای ضمانت اجرایی باشد تا کودکان در صدد جلب رضایت و خشنودی خانواده از رفتار خود شوند. همچنین، کودکان و نوجوانان در صورت جلب رضایت خانواده به خاطر رفتارهای خوب خود در خانه، در مدرسه نیز مورد تشویق قرار گیرند تا به این صورت، کودکان از همان سنین اولیه به اهمیت جلب نظر خانواده و احترام و حرمتی که جامعه برای خانواده قائل است، واقف شوند تا سعی در جلب نظر خانواده در رفتارهای خود داشته باشند.

پیشنهادها

1- به نظر می‌رسد که سازوکار اصلی پیشگیری از جرائم مواد مخدر کودکان در سیاست جنایی ایالات متحده آمریکا و کانادا، پیشگیری مدارس و پیشگیری در سطح خانواده باشد. به نظر می‌رسد این چنین رویکردی با توجه به تأکیدات مختلف فقهی مبنی بر نقش اصلی والدین در تربیت کودکان، منطبق با رویکرد اسلامی نیز باشد. این در حالی است که علی‌رغم وجود قواعد تضمین‌کننده نقش خانواده در نظام حقوقی ایران، اما در ارتباط با نقش خانواده و مدارس در پیشگیری از جرائم کودکان، به‌ویژه جرائم موادمخدری آن‌ها قواعدی مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که



قانونگذار ضمن اصلاح قوانین موجود، بر نقش مؤثرتر خانواده و مدارس در پیشگیری از جرائم کودکان، به‌ویژه جرائم موادمخدوری آن‌ها تأکید کند.

2- نظام اولویت‌بندی کودکان از نظر احتمال ارتکاب جرائم، یکی دیگر از تفاوت‌های میان سیاست جنایی ایالات متحده آمریکا و کانادا با ایران است. این موضوع به‌ویژه در پیشگیری رشدمدار از جرائم موادمخدوری کودکان به صورت عمده‌تر جلوه می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که این‌چنین نظام اولویت‌بندی نیز بایستی در سیاست جنایی اجرایی و قضایی ایران دنبال شود.

منابع

- قرآن کریم
- رشادتی، جعفر (1387). «پیشگیری از جرم در قرآن». تهران: انتشارات دفتر تحقیقات پلیس پیشگیری ناجا.
- قهرمانی افشار، نیوشا (1395). «پیشگیری رشدمدار بررسی فقهی و حقوقی (ایران و انگلستان)». فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال نهم، شماره دوم، (تابستان 1395).
- تامسون، کنت (1381). «دین و ساختار اجتماعی مقالاتی در جامعه‌شناسی دین». (ترجمه علی بهرامپور، حسن محدثی). تهران: کویر.
- کی‌نیا، مهدی (1370). «جرم‌شناسی کاربردی». تهران: چاپ مجد.
- محمدی‌برزگر، جعفر؛ بختیاری، لطفعلی؛ محمدی‌مقدم، یوسف؛ شاه‌محمدی، غلامرضا (1398). «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پیشگیری از جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی در فضای مجازی». پژوهشنامه نظم و امنیت اجتماعی، دوره دوازدهم، شماره چهارم و هشتم. (زمستان 1398).
- میرکمالی، سیدعلیرضا؛ حمیدی‌پور، محسن (1398). «پیشگیری رشدمدار از جرم در پرتو تئوری‌های نوین زیستی». فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره هفتاد و یکم، (پاییز و زمستان 1398).
- معین، محمد (1363). «فرهنگ معین». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نصیری‌هنده‌خاله، اسماعیل؛ جلالیان، سید اسحاق (1398). «تحلیل تأثیر پارامترهای جرم‌خیزی بر شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در نواحی شهر قزوین». پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال هفتم.
- Andresen, M., & Felson, M. (2009). Situational crime prevention and co-offending. *Crime Patterns and Analysis*, 3(1), 3-12.
- Braga, A., & Weisburd, D. (2010). *Policing problem places. Crime hot spots and effective prevention*. Oxford: Oxford University Press
- Laudencia, Antoinette et al, (1997). "Diverting Our Children from Crime: Family-Centered, Community-Based Strategies for Prevention" DC Family Policy Seminar, Georgetown University.
- Prior, David and Paris, Alison (2005). "Preventing Children's Involvement in Crime and Anti-Social Behavior: A Literature Review" A paper produced for the National Evolution of the Children's Fund, Research Report RR623.
- Institute for The Prevention of Crime (2007). "Building a Safer Canada: First Report of the National Working Group on Crime Prevention.



- Currie, Janet (2001). Early childhood education programs. *Journal of Economic Perspectives* 15: 213-238.
- Elliott, Delbert S., Beatrix A. Hamburg, and Kirk R. Williams (1998). Violence in American schools: An overview. In Delbert S. Elliott, Beatrix A. Hamburg, and Kirk Williams (eds.), *Violence in American schools: A new perspective*. New York: Cambridge University Press
- Farrington, David P. and Brandon C. Welsh (2002). Family-based crime prevention. In Lawrence W. Sherman, David P. Farrington, Brandon C. Welsh, and Doris Layton MacKenzie (eds.), *Evidence-based crime prevention*. New York: Routledge.
- Farrington, David P. and Brandon C. Welsh (2003). Family-based prevention of offending. *Australian and New Zealand Journal of Criminology*.
- Gottfredson, Denise C., Stephanie A. Gerstenblith, David A. Soulé, Shannon C. Womer, and Shaoli Lu (2004). Do after school programs reduce delinquency? *Prevention Science*.
- Gottfredson, Denise C., David B. Wilson, and Stacy S. Najaka (2002). *Crime: Public policies for crime control*, 2nd ed. Oakland, CA: Institute for Contemporary Studies Press.
- Gottfredson, Denise C., David B. Wilson, and Stacy S. Najaka a School-based crime prevention. In Lawrence W. Sherman, David P. Farrington, Brandon C. Welsh, and Doris Layton MacKenzie (2002). *Evidence-based crime prevention*. New York: Routledge.
- Patterson, Gerald R., Patricia Chamberlain, and John B. Reid (1982). A comparative evaluation of a parent training program. *Behavior Therapy*.
- Peaslee, L (2009). "Community policing and social service partnerships: lessons from New England". *Police Practice and Research*. April 2009 10(2), 115-131(17).
- Sanders, M. R., Markie-Dadds, C., Tully, L. A., and Bor, W. (2000). The Triple P— Positive Parenting Program: A comparison of enhanced, standard, and self-directed behavioural family interventions for parents of children with early onset conduct problems. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*.
- Sherman, Lawrence W (1997). Communities and crime prevention. In Lawrence W. Sherman, Denise C. Gottfredson, Doris Layton MacKenzie, John E. Eck, Peter Reuter, and Shawn D. Bushway. *Preventing crime: What works, what doesn't, what's promising*. Washington, DC: National Institute of Justice, U.S. Department of Justice.
- Strang, H., and Sherman, L. W. (2005). Restorative justice to reduce victimization. In B.C. Welsh and D.P. Farrington (Eds.), *Preventing Crime: What Works for Children, Offenders, Victims, and Places*. Belmont, CA: Wadsworth, forthcoming.

- Webster-Stratton ،C. ،and Hammond ،M. (1997). Treating children with early-onset conduct problems: A comparison of child and parent training interventions. *Journal of Consulting and Clinical Psychology* ،65 ،93-109
- Webster-Stratton ،Carolyn and Ted Taylor (2001). Nipping early risk factors in the bud: Preventing substance abuse ،delinquency ،and violence in adolescence through interventions targeted at young children (0-8 years). *Prevention Science* 2: 165-192.
- Welsh ،Brandon C (2003).Community-based approaches to preventing delinquency and crime: Promising results and future directions. *Japanese Journal of Sociological Criminology*.

Archive of SID